



خانه حاج رحیم آقا کجاست؟

نویسنده و تصویرگر: پرویز کلانتری

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای مخاطبهای زیر کتاب منتشر می کند:

۱. گروههای سنی کودکان و نوجوانان:

گروه الف: سالهای قبل از دبستان.

گروه ب: سالهای آغاز دبستان (کلاسهای اول، دوم، سوم).

گروه ج: سالهای پایان دبستان (کلاسهای چهارم و پنجم).

گروه د: دوره راهنمایی.

گروه ه: سالهای دبیرستان.

۲. اولیای تربیتی کودکان و نوجوانان.



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

۱۴۰ تومان



خانه حاج رحیم آقا کجاست؟

نویسنده و تصویرگر: پرویز کلانتری

برای گروههای سنی «الف» و «ب»



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

خانه حاج رحیم آقا کجاست

نویسنده و تصویرگر: پرویز کلانتری

چاپ اول، ۱۳۶۴

چاپ ششم، ۱۳۷۴ تعداد: ۳۰۰۰۰ نسخه

تعداد چاپهای قبل: ۲۲۰۰۰۰ نسخه

چاپ: کانونچاپ

© کلیه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان استاد مطهری، خیابان فجر، شماره ۳۷

تلفن مرکز پخش ۸۸۲۶۳۲۸



احمد، همراه مادرش از روستایی خیلی دور به شهر
آمده است.
تعطیل نوروز را مهمان خاله و شوهرخاله، یعنی حاج
رحیم آقااست.

احمد با محمود، پسرخاله اش، همبازی است.
چون هر دو خیلی بازیگوشند، در خانه خاله به آنها خیلی خوش می گذرد.





یک روز همه برای خرید به بازار می روند. بازار،
خیلی شلوغ و تماشایی است.
مغازه ها پر از لباسها و کفشها و چیزهای رنگارنگ و
قشنگ است.
مادر به بچه ها می گوید: «بچه ها! دست همدیگر را
بگیرید و مواظب باشید تا گم نشوید.»



یک عنتری مشغول شیرین کاری است. احمد سرگرم تماشای کارهای او می شود، غافل از اینکه دیگران به مغازه کفاشی می روند تا برای محمود کفش بخرند.



بعد از مدتی بی خیالی ناگهان احمد متوجه می شود که تنهاست. از ترس گم شدن می زند زیر گریه، و بی اختیار پا می گذارد به فرار.



بعد از مدتی دویدن، خسته و وامانده، از بچه‌های کوچه سراغ مادرش و خانهٔ حاج رحیم آقا را می‌گیرد.

ترق! ترق...ترق!

بچه‌ها مشغول ترقه‌بازی هستند و کسی به او اعتنا نمی‌کند.

احمد با خودش می‌گوید: «ای کاش اصلاً به شهر نیامده بودم»، یاد روزهای عید افتاد که در کوچه‌های آشنای

ده بوی گل و شبدر و عطرنان می‌پیچید. احمد یاد ده‌شان که افتاد، دلش گرفت.